

کتاب مقدس

تجلی دلستگی نویسندگان و شاعران مسیحی
به قرآن کریم و رسول گرامی اسلام

www.ketab.ir

نخستین

زائری، محمد رضا، ۱۳۴۹
 کتاب مقدس: تجلی دلبستگی نویسندگان و شاعران مسیحی به قرآن کریم
 و رسول گرامی اسلام / محمد رضا زائری - قم: خیمه، ۱۳۹۰
 ۲۷۶ ص، مصور، عکس
 ۴۵۰۰۰ ریال

ISBN 978-600-6254-02-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
 کتابخانه: ص ۲۴۳-۲۴۷

نمایه:

- ۱- محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ قی - شعر-تاریخ و نقد
- ۲- محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ قی - در ادبیات عربی
- ۳- کتاب مقدس در ادبیات
- ۴- قرآن در ادبیات عربی
- ۵- شاعران مسیحی - تاریخ و نقد . الف . عنوان . ب . عنوان: تجلی
 دلبستگی نویسندگان و شاعران مسیحی به قرآن کریم و رسول گرامی اسلام
 ۸۹۲/۷۱۰۰۸ PJA ۲۵۹۰ / ۲م ز

کتاب مقدس تجلی دلبستگی نویسندگان و شاعران مسیحی به قرآن کریم و رسول گرامی اسلام محمد رضا زائری		خیمه انتشارات خیمه
نویسند:	اول / بهار ۱۳۹۰	تیراژ:
ویراستار:	امیر عیسی ملکی	صفحه آرای:
مصحح:	محمد محمدی	شمارگان:
نسخه:	۲۰۰۰	شابک:
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۶۲۵۴-۰۲-۹	چاپ:
فصل:	فصل	قیمت:
قیمت:	۴۵۰۰ تومان	
شانی دفتر انتشارات: قم / خیابان صفایه / کوچه ممتاز / کوچه ۳ / بلاک ۴۳ صندوق پستی قم: ۳۷۱۸۵-۴۴۹ تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳ تلفن دفتر تهران: ۰۲۱ ۸۸۹۳۴۹۷۰		

نهج البلاغه مرا به قرآن رساند و به قرائت قرآن
مشغول شدم، دیدم آنچه می خواهم نمی فهمم ... به
تفاسیر مراجعه کردم
هر چه بیشتر می فهمیدم شیفته تر می شدم، بعد به
ذهنم رسید که تجوید قرآن را فراگیرم و شدم
شاگرد شیخ منیرالملک
از ادغام شروع کرد، ادغام به غنه و بدون غنه و
بعد از آن اِماله و فصل و وقف
پولس سلامه، شاعر و ادیب برجسته مسیحی

فهرست مطالب

مقدمه ■ ۹

مقالات

- ۲۳ مسیحیان از قرآن می‌گویند ...
■ ۳۹ واکنش مسیحیان عرب در مقابل قرآن کریم
■ ۴۹ حضور قرآن کریم در فضای فرهنگی و علمی مسیحی
■ ۵۵ سلام مرا به پیامبران برسانید!
■ ۶۷ خورشید تابناک رسالت در چشم مسیحیت شرقی
■ ۸۵ ذکر اهل بیت با لهجه مسیحی
■ ۸۹ سخن اسلام از زبان مسیحیت
■ ۹۷ شعر و نثر دینی به قلم بیگانگان
■ ۱۰۳ زندگی پیامبر اسلام از زبان شاعر برجسته مسیحی
■ ۱۰۹ پاسخ به چند پرسش
■ ۱۲۳ برای اندیشیدن به آینده همیشه دیر است!

پیوست‌ها

- ۱۳۱ زندگی‌نامه و معرفی‌ها
■ ۱۴۱ نمونه اشعار شاعران مسیحی
■ ۱۶۳ تصویر قرآن کریم در آیین مسیحیان غربی
■ ۱۷۳ درخشش نور ولایت در آثار ادبی مسیحیان شرقی
■ ۱۸۱ من شیعه‌ام!

- ۱۸۹ ■ امام علی، صدای عدالت بشری
- ۲۰۱ ■ لولهٔ تفنگ پشت گردن ما نبود!
- ۲۰۹ ■ عَظُمَتِ مُصِیْبَتُک ...

فهرست‌ها

- ۲۴۳ ■ فهرست منابع
- ۲۴۹ ■ اشخاص و اعلام
- ۲۵۶ ■ جای‌ها و اماکن
- ۲۵۹ ■ کتاب‌ها و نشریه‌ها
- ۲۶۴ ■ مفاهیم و نهادها
- ۲۷۸ ■ دربارهٔ نویسنده

مقدمه

از زمانی که با نوشته‌ها و سروده‌های نویسندگان و شاعران مسیحی درباره موضوعات اسلامی و بزرگان اسلام روبه‌رو شدم دریافتم که بسیاری از ما با این گونه آثار آشنا نیستیم و نه فقط در ایران بلکه در لبنان نیز جز برخی آثار مشهور چون کتاب‌های جورج جرداق و پولس سلامه و سلیمان کتانی معمولاً از این گونه آثار سخنی به میان نمی‌آید. از آنجا که به دلیل رشته تحصیلی‌ام، یعنی «روابط اسلام و مسیحیت» ناچار به جست‌وجو و کاوش در منابع و مآخذ گوناگون بودم به مرور با آثار فراوانی آشنا شدم که با رویکردی مثبت و زبانی ستایشگر به تجلیل و تکریم از رسول اکرم و خاندان آن حضرت پرداخته بود.

با دیدن این گونه آثار به این باور رسیدم که کشف و شناسایی و بازخوانی و ترجمه این آثار ضرورت فراوان دارد و آنچه من بر عهده گرفتم دوره زمانی ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی و در محدوده جغرافیایی لبنان بود، با این امید که دیگران به شناسایی و معرفی نوشته‌ها و

سروده‌های دیگران چون نوشته زیبای پوشکین شاعر مشهور روسی درباره قرآن کریم، مرثیه جاناناتان سویفت (خالق گالیور) درباره کربلا و نمونه‌های دیگر در آثار گوته آلمانی یا ولتر فرانسوی یا تولستوی و دیگران پیردازند.

و در واقع چنان‌که پیشتر نوشته‌ام، هدف من آغاز این حرکت و مسیر بوده با این امید و آرزو که دیگران این راه را به‌طور جدی دنبال کنند و در زمینه‌های گوناگون، این پژوهش را به زبان‌های گوناگون و در مناطق و کشورهای مختلف گسترش دهند و در عرصه‌های متنوع آن به تحقیق و مطالعه پیردازند.

کتاب «پدر، پسر، روح القدس» با این هدف منتشر شد و تجلی عشق علوی و شور حسینی در آثار شاعران و نویسندگان مسیحی لبنانی را در حد توان ترسیم کرد و اینک پس از انتشار آن کتاب که بازتاب‌های مثبت فراوان داشت و مورد استقبال فراوان قرار گرفت، کوشیده‌ام با این کتاب که در واقع کامل‌کننده آن است به دو موضوع مهم مورد توجه نویسندگان و شاعران مسیحی لبنانی، یعنی قرآن کریم و رسول گرامی اسلام پیردازم.

نام این کتاب یعنی «کتاب مقدس» نیز مانند نام کتاب پیشین ابهام دارد و گرچه کتاب مقدس در ادبیات و فرهنگ مسیحی عنوان مجموعه عهد قدیم (تورات) و عهد جدید (انجیل) است؛ لیکن قصد من از این عنوان، کتاب مقدس مسلمانان یعنی قرآن کریم بوده و تحت این عنوان نمونه‌هایی از نوشته‌های اندیشمندان و اهل ادب مسیحی درباره قرآن کریم و حامل آن پیامبر گرامی اسلام را گرد آورده‌ام.

در واقع به ترتیب منطقی این کتاب باید پیش از «پدر، پسر، روح القدس» منتشر می‌شد؛ ولی تقدیر چنین بود که گردش روزگار

بر عکس باشد و به این ترتیب در چاپ فعلی حتی برخی از مطالب باقیمانده از آن کتاب را در پیوست‌های این مجموعه آورده‌ام تا کسانی که هر دو کتاب را تهیه کرده‌اند اطلاعات کاملی در اختیار داشته باشند. در آینده‌ای نه‌چندان نزدیک همه این اطلاعات در مجموعه‌ای با ویرایش جدید عرضه خواهد شد و باز چاپ آن به شکلی متفاوت به خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود؛ لیکن از آنجاکه می‌دانم این اتفاق به سرعت رخ نمی‌دهد ناچار بودم اطلاعات جدید مربوط به امام علی و سیدالشهدا را در همین کتاب منتشر سازم.

در اینجا لازم می‌دانم به چند نکته اشاره کنم:

نخست: چرا این کار را باید جدی گرفت؟ و به تعبیر دیگر این موضوع چه اهمیتی دارد؟

حجم مطالعات و پژوهش‌های مستشرقان را در قرن‌های اخیر بنگرید و میزان تسلط آنها به منابع، متون، عقاید، تاریخ، احادیث و باورهای ما را با میزان آشنایی ما با آیین‌های دیگر مقایسه کنید. اکنون ما از نیاز جدی به تسلط یافتن کامل و دقیق عالمان مسلمان به آیین‌های دیگر سخن نمی‌گوییم؛ فقط از ضرورت بررسی مطالبی حرف می‌زنیم که بخشی از آنها را درباره پیشوایان ما به شکل مثبت نوشته‌اند.

از این رو اگر کسی از من بپرسد این موضوع چه اهمیتی دارد؟، از او می‌پرسم: «اگر پیروان آیین‌های دیگر چهره‌های درخشانی چون امیرمؤمنان و سالار شهیدان داشتند و دیگران سر تعظیم در مقابل ایشان فرو می‌آوردند چه می‌کردند و به تعبیر دیگر اگر جای ما و آنها عوض می‌شد چه رخ می‌داد؟»

یکی از دوستان ما نقل می‌کرد که یک کشیش مسیحی حدود ۲۵

سال به مطالعات اسلامی اشتغال داشت و همه هدفش فقط این بود که ثابت کند پیامبر اسلام در زمان نزول وحی و آغاز رسالت، ۳۹ سال داشته‌اند نه ۴۰ سال (تا بر اساس اثبات این مقدمه به نفی برخی موضوعات دیگر پردازد) یا کشیش لبنانی، یوسف حداد که همه عمر با تلاشی وصف‌ناپذیر و قابل ستایش به مطالعات عمیق اسلامی مشغول بود و می‌کوشید اعجاز قرآن کریم را نفی کند. این گونه اهتمام و جدیت را مقایسه کنید با شیوه پرداختن ما به کارهایمان!

دیگر اینکه، آیا ما به گواهی و تأیید دیگران بر حقانیت باورهايمان نیاز داریم؟

روشن است که باور و عقیده ما به حقیقت خورشید عالمتاب، وابسته به درخشش نور جوب کبریتی در تاریکی نیست؛ اگر کسی از درخشش خورشید سخن می‌گوید در واقع بینایی خود را نشان می‌دهد.

مادح خورشید مدّاح خود است

که دو چشم سالم و ناگزیر است

لیکن اگر به گواهی دیگران می‌پردازیم و شهادت و سخن آنان در مدح و ستایش خورشید حقیقت را باز می‌خوانیم نخست از سر شوق و سرخوشی دلدادگی است که نام محبوب را از هر زبانی بشنود برمی‌آشوبد و بر دست و پایش بوسه می‌زند؛ چرا که نام محبوبش را به تعظیم بر زبان رانده است و دیگر از سر ادای حق و واجب نسبت به کسانی که در روزگار گمراهی و ضلالت و کوری، آنقدر بینایی داشته‌اند تا تابش این نور را ببینند.

نه فقط عقیده و باور ما به این کلمات وابسته نیست؛ بلکه اگر به هر دلیل در آثار این شاعران و نویسندگان چیزی دیگر ببایم یا اگر بعدها مواضع و دیدگاه‌هایشان به هر دلیل تغییر کند باز هم چیزی برای

ما تغییر نمی‌کند. ما از آغاز می‌خواسته‌ایم تابش خورشید درخشان حقیقت را حتی لحظه‌ای در چشم کسانی نشان دهیم که از آن سوی زمین و زمان باور و عقیده ما به این درخشش و تابش، خیره شده‌اند. واقعیت این است که اغلب فضای عمومی فرهنگی و رسانه‌ای چنین آثاری را مورد توجه قرار نمی‌دهد؛ اگر هر یک از این نویسندگان و شاعران بزرگ و برجسته به جای پرداختن به این موضوعات به توصیف سر و شکل زنی هرزه می‌پرداخت یا از یک حالت شخصی خود می‌نوشت، بسیار مورد توجه قرار می‌گرفت و از آثارش به‌عنوان شاهکار هنری یاد می‌شد؛ ولی هنگامی که بزرگانی چون امین نخله یا پولس سلامه به مدح و ستایش قرآن کریم یا خاندان رسالت می‌پردازند از یک سو مورد بی‌مهری هم‌کیشان خود قرار می‌گیرند و از سوی دیگر با بی‌توجهی ما روبه‌رو می‌شوند.

می‌پذیرم که همه این آثار در یک سطح نیستند؛ اما آثار برجسته و درخشان این عرصه، آیا سزاوار اهتمام و توجه جدی نیست؟ در روزگاری که در برخی دانشگاه‌های دنیا برای زندگی یک نویسنده بیمار آمریکایی چند نفر تخصص دارند و تحصیلات تکمیلی خود را تا مرحله دکتری در مورد آن یک نفر ادامه می‌دهند و تا آخر عمر تخصص‌شان آن است که او در فلان سفر به هتل فلان رفت یا هتل بهمان! و مؤسسات مطالعاتی و پژوهشی برای او تشکیل می‌شود و سمینارها برگزار می‌کنند و بورس تحصیلی می‌دهند و کتاب چاپ می‌کنند، آیا سزاوار نیست کسانی در حد کلی به مجموعه آثار درخشان نویسندگان مسیحی در ستایش قرآن کریم و اسلام بپردازند؟

آیا تلاش مجاهدانه فرزانه بزرگ، مرحوم علامه امینی که زندگی خود را وقف «الغدیر» کرد جز برای این بود که نشان دهد موضوع

غدير مسئله‌ای مورد توافق و اتفاق کامل تاريخی است و با گستردگی تاريخی و جغرافيايی در ميان اشخاص گوناگون تواتر دارد؟ اينک اين آثار و شهادت‌هایی که به تواتر بر حقيقت واقعه غدير ثبت کرده‌اند و آیا همین کار نمی‌تواند تا حدی و به نوعی ادامه آن تلاش سترگ باشد؟

کسانی که معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را وظیفه تبلیغی و دینی خود می‌دانند، بهترین شواهد بر حقانیت این مکتب را در این آثار پیدا می‌کنند؛ چراکه افرادی بدون طمع و از سر انصاف شهادت داده‌اند و معمولاً افرادی هستند که اولاً به دلیل اینکه مسلمان و شیعه نیستند موضع بی‌طرفانه‌ای دارند و به اصطلاح از دید ناظر بیرونی به مسئله می‌نگرند و ثانیاً افراد بسیار مطلع و آگاهی هستند که معمولاً تحصیلات عالی دارند، به نقاط مختلف دنیا سفر کرده‌اند، با زبان‌های مختلف آشنايند، مطالعات گسترده تاريخی و دینی داشته‌اند و از همه مهم‌تر معمولاً نه فقط هیچ نفعی از این مدح و ستایش نمی‌برند؛ بلکه دچار مشکلاتی نیز می‌شوند؛ پس گواهی و اعتراف‌شان بیش از هر شهادتی اعتبار می‌یابد.

و از سوی دیگر این‌گونه آثار برای مخاطب عام یا نسل جوان که ممکن است به دلایل گوناگون با آثار موجود دیگر ارتباط برقرار نکند بیشتر مناسب است و این همان نکته‌ای است که از مرحوم دکتر علی شریعتی در کتاب نیایش‌ها با اشاره به آثار جورج جرداق و سلیمان کتانی نقل شده است.

در عین حال در روزگار فتنه‌گری استکبار جهانی و در شرایطی که دشمن می‌کوشد آتش درگیری و نزاع را ميان مسلمان و مسیحی و شیعه و سنی برافروزد، این‌گونه آثار به‌خوبی نشان می‌دهند که در طرف مقابل ما چنین دیدگاه‌های مثبت و منصفانه‌ای وجود دارد و به این

وسيله زمينه گفت وگو و ارتباطی منطقی و مطلوب و ادای حق شهادت آنها به حقیقت فراهم می شود.

همچنین این گونه تلاش ها بر تولید آثار جدید به طور مستقیم اثر دارد و باعث تشویق و ترغیب دیگر افرادی می شود که اندیشه و باورهای مثبت و دیدگاه های منصفانه ای دارند و می توانند قلم به دست گیرند و اندیشه های خود را ماندگار کنند و باورهای صحیح خود را در روزگار اسلام ستیزی غرب منتشر کنند.

از همه اینها مهم تر این گونه نویسندگان و شاعران واسطه هایی هستند که می توانند پیام حقیقت را در محیط ها و فضا هایی از مخاطبان مسیحی منتشر سازند که دست ما هیچ گاه به آنها نمی رسد و اگر هم ارتباطی داشته باشیم سخن و گفتارمان هرگز به اندازه نظر و موضع آنان اثر ندارد.

با دیدن این آثار، دریغ و حسرت فراوان باید داشت که به علت کوتاهی و قصور ما، بیش از این بر زبان و قلم صاحبانش نیامده است؛ وقتی این نویسندگان و شاعران با این مقدار آشنایی شان با اسلام و مکتب اهل بیت چنین گفته و نوشته اند، اگر با اقیانوس بیکران معارف و حقایق دینی مکتب اهل بیت آشنا می شدند چه می کردند؟ و به قول مولوی:

باده خاک آمیزشان مجنون کند

صاف اگر باشد ندانم چون کند!

این عرصه، به راستی عرصه ای بکر و دست نخورده است و موضوعات و محورهای بسیاری در آن وجود دارد که می تواند دستمایه مطالعات، تحقیقات و پژوهش های گسترده در زمینه های مختلف باشد و نه فقط کتاب های متعدد و خواندنی، بلکه موضوع پایان نامه های متعدد

کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته‌های ادیان، ادبیات، علوم سیاسی، روابط خارجی، علوم اجتماعی و حتی روانشناسی فراهم کند.

از این دست می‌توان فقط در حوزه پژوهش این مجموعه (مسیحیان لبنان) به کارهای انجام‌نشده فراوانی چون اینها اشاره کرد: x:

- تحلیل جامعه‌شناختی ارتباط محیط با آثار ادبی و گرایش‌ها و تأثیر مناطق و تفاوت مسیحیان مناطق مختلط مانند جنوب لبنان با مسیحیان ساکن متن و جبل لبنان مثل کسروان

- شناسایی کتاب‌ها و آثار ادبی ناشناخته فراوان (به‌ویژه آثار منتشر شده در مجلات و جراید)

- تحلیل روانشناختی شخصیت و تفکر نویسندگان و شاعران مسیحی در رابطه با اندیشه‌های اسلامی

- تحلیل دقیق جزئیات دینی و مذهبی (تفاوت مسیحیان شرقی و غربی، تفاوت کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها یا حتی به‌طور خاص رویکرد کلیسای مارونی لبنان)

- مطالعه مضامین و موضوعات خاصی چون مقاومت و پایداری در مقابل اشغال لبنان، انتقاد از عوامی‌گری، اعتراض به مشکلاتی چون تفرقه و اختلاف

- جشن‌های میلاد پیامبر اکرم در برزیل و مشارکت ادبای مسیحی در مدح رسول گرامی اسلام

- مسابقات نجف اشرف و تلاش مرحوم سیدجواد شبر که حاصلش آثار سلیمان کثانی و ... بود.

- تحقیق در ادبیات مهاجرت و نقش ادبای مهاجر در این موضوع (از جبران خلیل جبران و میخائیل نعیمه تا رشید سلیم الخوری و ...)

- پرداختن سوژه‌هایی چون مجالس عاشورایی مشترک در مدرسه عاملیه، صور، نادی حسینی بعلبک و سایر مناطق لبنان که متأسفانه کسی به ثبت آنها نپرداخته است

- مطالعه تأثیر قرآن کریم بر ادبیات معاصر (از نوشته‌های مطبوعاتی اسقف جورج خضر تا تعابیر خاص جبران خلیل جبران چون «لکم لبنانکم ولی لبنان» و از کتاب‌هایی چون مجمع البحرین ناصیف الیازجی تا مصطلحات و تعابیر رایج در گفت‌وگوی روزمره مردم)

- نامگذاری فرزندان مسیحی به نام‌های اسلامی در نیمه نخست قرن بیستم (محمد مارون عبود ۱۹۲۶ و ...)

- بررسی میزان گرایش این افراد به اسلام در مواردی چون ابوالفضل الولید یا شاعر قروی و ...

- مطالعه مفاهیم و مضامین مشترک مسیحیت با اسلام در این گونه ادبی (شهادت، فداء و ...)

- ارزیابی نقش گرایش‌های قومی عربی به‌ویژه در دهه‌های آغازین و میانی قرن گذشته در این گونه آثار

- ضرورت ترجمه این آثار به زبان‌های گوناگون غیر از فارسی (به‌ویژه انگلیسی و فرانسوی) برای استفاده کسانی که به اسلام و مکتب اهل بیت گرایش پیدا می‌کنند.

تحقیق و پژوهش در این گونه موضوعات می‌تواند نتایج بسیار با ارزش و گسترده‌ای در پی داشته باشد و علاوه بر ادای حق این چهره‌های ارزشمند ادبی و فکری، منجر به دستاوردهایی روشن برای ارتباط مؤثرتر و مفیدتر بین مسلمانان و مسیحیان در مناطق مختلف خواهد شد و در عین حال فضا را برای کار جدی در نشر معارف

والای دینی به زبان و در قالب جهانی و همه‌فهم می‌گشاید.

در واقع از یک سو با تبیین جایگاه حقیقی قرآن کریم و نهج البلاغه زمینه و موقعیت برای طرح تفکر اهل بیت و ابلاغ پیام ناب اسلام به مخاطبان عام جهانی فراهم و از سوی دیگر با این مطالعه روشن می‌شود چه مفاهیم انسانی و موضوعات عمومی و فراگیر، قابلیت بیشتر برای اثرگذاری در مخاطب عام جهانی از ادیان و مذاهب گوناگون دارد.

گفتن نمی‌خواهد که سختی‌های بسیار برای این کار متحمل شده‌ام، از جمع‌آوری منابع و مآخذ تا یافتن این افراد و تهیه مستندات و شواهد، به‌ویژه از جایگاه طلبه‌ای با محدودیت‌های مشخص؛ آشکار است که اگر کسی بخواهد به‌طور جدی - نه به تعارف و تصنع - در این عرصه وارد شود و در این محیط حضور کامل داشته باشد با دشواری‌هایی در ارتباط روبرو خواهد شد، از محظور تجنب از دست دادن به بانوان تا تنسبتن بر سر سفره‌های غذایی که مشکل شرعی در آنها هست و ... از کاوش در انبار کتابفروشی‌های قدیمی بیروت و جبل و هزینه کردن فراوان برای برخی نسخه‌های منحصر به فرد و نایاب تا جست‌وجو در آرشیو روزنامه‌های قدیمی لبنان و کتابخانه‌های مهم دانشگاهی و ... اما با این حال کوشیده‌ام این موضوع را به‌طور جدی دنبال کنم تا در نهایت مدارک و اسناد لازم را به‌دست آورم و با اطمینان از موضوعاتی سخن بگویم که گاه متأسفانه با بی‌دقتی و بدون ذکر مآخذ و منبع از آنها گذشته‌ایم.

برایم مهم بود تا فرزند حلیم دمّوس را در ۹۰ سالگی پیدا کنم و با سختی او را به حرف بیاورم یا شماره تلفن همسر نصری سلهب را در پاریس بیابم و از او درباره همسرش بیرسم. برایم مهم بود تا چندین ماه صبر کنم و منتظر بمانم تا فرزند میانسال خلیل فرحات به لبنان

برگردد و کتاب نایابش را به من دهد یا با طی مسافتی طولانی به بسکنتا بروم و در اتاق دست‌نخورده سلیمان کتانی دست‌نوشته‌هایش را جست‌وجو کنم و به این ترتیب در نهایت به آنچه می‌نویسم کاملاً مطمئن باشم.

حاصل این تلاش، البته بسیار با ارزش و به اندازه ذره‌ای در برخی نتایج سهیم بوده است، به لطف خدا پس از انتشار این مقالات و کتاب «پدر، پسر، روح‌القدس» و در طی سه سال گذشته که به‌طور جدی به این موضوع پرداخته‌ام چند مراسم تکریم برای این شاعران و نویسندگان در بیروت (به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) و در تهران (به همت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی) برگزار شده است. برخی از آنان برای انتشار آثار جدید تشویق شده‌اند و یک کتاب تازه با همکاری و همراهی ما منتشر شده و چند کتاب جدید در مرحله چاپ و نشر است. چند فیلم مستند از زندگی این شاعران و نویسندگان ساخته شده و کارهای دیگری در حال ساخت و آماده‌سازی است.

این کتاب تازه را که اینک مهمان لطف و مهربانی چشم و دل شماست به خاطرات شیرین محفل انس با قرآن تقدیم کرده‌ام. جلساتی که حدود ۲۰ سال پیش شب‌های جمعه در مسجد شارعی (تهران، خیابان وحدت اسلامی، چهار راه مختاری) تشکیل می‌شد و بارش رحمت قرآن و اهل بیت کویر دل و زبان این شکسته‌قلم را ترمی‌کرد و آن محفل انس برای نخستین بار آثار ادبی و کتاب‌های صاحب این قلم را شکل داد.

امید آنکه این مجموعه را با دعای خیر و انتقاد و راهنمایی خواهرانه و برادرانه‌تان همراهی کنید و از خدا بخواهید ما را که در آغاز زندگی،

میهمان سفره کرامت قرآن و پیامبر شده‌ایم در پایان زندگی از این
خوان نعمت محروم و بی نصیب نخواهد.

پی‌نوشت:

X یکی از موضوعات قابل توجه و مهم برای پژوهش در این حوزه، آثاری است
که از شاعران و نویسندگان مسیحی قبل از این دوره زمانی در مناطق مختلف
بر جای مانده است. نمونه‌هایی مثل آنچه خوارزمی در مناقب، از یک نصرانی
نقل می‌کند (به نقل از کتاب شعراء اهل السنة فی العترة از سید محمد علی حسین
آل المرتضی (ص ۲۶۸)، دارالمحجة البيضاء، چاپ اول، ۲۰۱۱، بیروت):

علی امیر المؤمنین صریمة

وما لسواه فی الخلافة مطمع

و لو كنت أهوى ملّة غیر ملّتی

لما كنت إلا مسلما أشتع

علی امیر مؤمنان عزیزمستی است که جز او در خلافت نمی‌تواند طمع داشت و
اگر من قرار بود مذهبی جز آیین خود برگزینم بی‌تردید جز مسلمان شیعه
نمی‌بودم.

یا آنچه از ربینا بن إسحق نقل شده است:

عدی و تیم لا أحاول ذکرها

بسوء و لکنی محب لهاشم

و ما بعترینی فی علی و رهطه

إذا ذکرُوا فی الله لومة لائم

يقولون ما بال النصاری یحبّهم

و اهل النهی من أعرب و إعاجم

قلت لهم إني لأحسب حبّهم

سری فی قلوب الخلق حتی البهاشم

«نمی‌خواهم از خاندان عدی و تیم به بدی یاد کنم؛ ولی من دوستدار بنی‌هاشم هستم و چون از علی و خاندانش یاد شود ملاحظه‌ای از سرزنش‌کنندگان ندارم. می‌گویند چگونه است که مسیحیان ایشان را دوست می‌دارند و بزرگان عرب و عجم نیز، من ایشان را گفتم که محبت و دوستی اهل بیت چنان در همه موجودات و خلائق منتشر شده که حتی حیوانات هم ایشان را دوست دارند.»

www.ketab.ir